

آموزش فراگیر؛ وضعیت موجود و مطلوب

حسن غلامحسین زاده* / کارشناس ارشد روان‌شناسی / کارشناس مشاوره و مددکاری اداره آموزش و پرورش استثنایی استان کرمان

چکیده

زمینه: آموزش فراگیر یعنی برخورداری همه جانبه همه کودکان از امکانات جامعه و تسهیل شرایط و امکانات به منظور بهره‌مندی دانش‌آموزان با نیازهای ویژه از آموزش عمومی در کنار سایر دانش‌آموزان. در این رویکرد اعتقاد بر این است با فراهم شدن امکانات لازم همه دانش‌آموزان می‌توانند یاد بگیرند.

نتیجه‌گیری: یکی از اهداف این رویکرد این است تا حد امکان دانش‌آموزان با نیازهای ویژه در نزدیک‌ترین مدرسه به محل سکونت‌شان تحصیل کنند. اجرای آموزش فراگیر به عنوان رویکردی آموزشی از اوایل دهه ۸۰ در کشور بر اساس نیاز جامعه و عمل به تعهدات بین‌المللی شروع شده است. از آن زمان تاکنون فعالیت‌هایی انجام شده، با این حال این رویکرد با موانع و محدودیت‌هایی همراه بوده است. در این میان اطلاع‌رسانی و آرایه اطلاعات کارشناسی در این زمینه می‌تواند به اجرای دقیق و صحیح‌تر این رویکرد کمک کند. این مقاله به مرور ماهیت این رویکرد، روند اجرا، چالش‌های پیش‌رو، راهکارهای اجرایی و وضعیت آموزش فراگیر در استان کرمان می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: آموزش فراگیر، دانش‌آموزان، نیازهای ویژه.

مقدمه

خود تحصیل می‌کنند (سازمان آموزش و پرورش استثنایی، ۱۳۹۲).

همان‌طور که گفته شد یکی از مؤلفه‌های چهارگانه آموزش، «یادگیری با هم زیستن» است. تکیه بر تفاوت‌های فردی باعث جداسازی کودکان در آموزش و یادگیری می‌شود ولی با تأکید بر تکالیف آموزشی و انعطاف‌پذیری آن دانش‌آموزان با نیازهای ویژه می‌توانند در کنار همسالان عادی خود به تحصیل ادامه دهند. در رویکرد آموزش فراگیر سعی شده شرایط و تسهیلاتی برای ایجاد فرصت‌های برابر آموزشی و پرورشی و تقویت ارتباط اجتماعی مناسب دانش‌آموزان با نیازهای ویژه با همسالان عادی فراهم شود (استابس، ۲۰۰۸). در این رویکرد دانش‌آموزان با نیازهای ویژه در نزدیک‌ترین واحد آموزشی عادی به محل زندگی پذیرفته می‌شود و با تشخیص و تایید ادارات آموزش و پرورش استثنایی از خدمات آموزگار یا دبیر رابط بهره می‌برند (سازمان آموزش و پرورش استثنایی، ۱۳۹۲).

جای‌دهی مناسب دانش‌آموزان با نیازهای ویژه در کلاس‌های عادی نیازمند تغییرات و فراهم‌سازی

بر اساس دیدگاه یونسکو یادگیری در قرن حاضر بر چهار ستون استوار است: یادگیری چگونه زیستن، یادگیری با هم زیستن، یادگیری چگونه انجام دادن، یادگیری چگونه آموختن (ملکی، ۱۳۹۳). لازم است دانش‌آموزان راه و رسم درست زندگی کردن و مهم‌تر از آن شیوه با هم زندگی کردن در اجتماع به عنوان یک شهروند کارآمد را یاد بگیرند، همچنین مهارت‌های زندگی را فرا بگیرند و شیوه درست و صحیح آموختن را بیاموزند. نیاز به آموزش و یادگیری نوعی نیاز همگانی است و برآوردن این نیاز برای برخی افراد جامعه مستلزم فراهم‌سازی شرایط و تسهیلاتی است. برای اینکه دانش‌آموزان با نیازهای ویژه به مهارت «با هم زیستن» دست پیدا کنند، باید زمینه تعامل بیشتر آن‌ها را با همسالان عادی فراهم کنیم. در این راستا رویکرد آموزش فراگیر در حال اجرا است. در این رویکرد گروه‌هایی از دانش‌آموزان با نیازهای ویژه از جمله کودکان دیرآموز، آسیب‌دیده بینایی، آسیب‌دیده شنوایی و کودکان با مشکلات رفتاری - هیجانی خفیف در مدارس عادی و در کنار همسالان

آزمایشی بین سال‌های ۸۳ - ۸۰ در دو استان و مرحله دوم به صورت آزمایشی بین سال‌های ۸۹ - ۸۶ در هفت استان اجرا شد. سپس بر اساس نتایج ارزشیابی به دست آمده طی این دو مرحله، شورای عالی آموزش و پرورش در سال ۱۳۹۰ اجرای قطعی این رویکرد را تصویب کرد (قدمی، ۱۳۹۳) و بر این اساس شیوه‌نامه اجرای آن به سراسر کشور ارسال شد و از لحاظ قانونی ادارات کل آموزش و پرورش ملزم به اجرای آن شدند.

تعریف و ماهیت رویکرد

تعریف فراگیر سازی: آموزش فراگیر فرآیندی است برای پاسخ‌دهی و واکنش مناسب به نیازهای متنوع همه یادگیرندگان به واسطه توسعه مشارکت افراد در یادگیری، پرورش و اجتماع و کاهش موانع بهره‌مندی از نظام تعلیم و تربیت (یونسکو، ۲۰۰۳؛ به نقل از بوت، ۱۹۹۶). بر این اساس دانش‌آموزان با نیازهای ویژه از فرصت‌های برابر آموزشی همانند سایر همسالان بهره‌مند می‌شوند و با وجود تفاوت‌ها و نیازهای ویژه در مدارس عادی به تحصیل می‌پردازند (بندوا، ۲۰۱۳). دانش‌آموز مشمول رویکرد آموزش فراگیر دانش‌آموزی است که دارای محدودیت‌های خفیف ذهنی، حسی و جسمانی است اما با مناسب‌سازی فضا و با استفاده از وسایل کمک‌آموزشی و توانبخشی و معلم رابط می‌تواند در مدارس عادی در کنار سایر همسالان خود به تحصیل بپردازد.

برای دستیابی به عدالت آموزشی، استفاده و دسترسی همه افراد به آموزش و پرورش عمومی باید تسهیل شود. رویکرد آموزش فراگیر با هدف تقویت عدالت آموزشی و ایجاد فرصت‌های آموزشی برابر برای همه افراد واجب‌التعلیم پیگیری می‌شود.

آموزش فراگیر یعنی همه کودکان به طور واقعی از آموزش عمومی بهره‌مند باشند و لذت ببرند، شرایط و امکانات لازم به منظور استفاده دانش‌آموزان با نیازهای ویژه از آموزش عمومی در کنار سایر دانش‌آموزان فراهم شود و کمک‌های تخصصی و آموزش‌های ویژه خارج از کلاس درس را فقط به عنوان یکی از راه‌های متعدد در دسترس و مورد نیاز دریافت کنند (لورمن^۲

امکانات و مناسب‌سازی فضاها است (نیگماتوف، ۲۰۱۴) و در اجرا با موانعی روبه‌رو است. از یک سو با توجه به اینکه مسئولیت اصلی آموزش دانش‌آموزان با نیازهای ویژه در این رویکرد به عهده معلمان واحدهای آموزش عادی است، اصلاح نگرش و برداشت صحیح از ویژگی‌ها و توانمندی‌های دانش‌آموزان با نیازهای ویژه به اجرای صحیح و واقعی این رویکرد کمک شایانی می‌کند. از سوی دیگر ارایه خدمات حمایتی مناسب از جمله معلم رابط و نیروی توان‌بخشی به عنوان پاسخ به نیاز واقعی کودک از ضرورت‌های اجرای موفقیت‌آمیز آن است. هدف نهایی این رویکرد افزون بر کسب تجارب آموزش عمومی مشترک، تقویت ارتباط اجتماعی، تقویت مهارت‌های زندگی و یادگیری با هم زیستن بدون توجه به تفاوت‌های فردی و عملکرد تحصیلی آن‌ها است.

روند اجرا و تاریخچه آموزش فراگیر

یکی از الزامات اجرای آموزش فراگیر تعهدات و توافقات بین‌المللی است. در سال ۱۹۹۰ میلادی جلسه‌ای در تایلد با عنوان "آموزش برای همه" با حضور نمایندگان نظام آموزش و پرورش ۱۵۵ کشور و با همکاری چند سازمان بین‌المللی برگزار شد، هدف این جلسه در ۱۰ بند، برآوردن نیازهای اساسی یادگیری، شکل‌گیری بیش گسترده‌تر نسبت به آموزش همگانی، ترویج برابری بهره‌مندی از آموزش و غیره عنوان شد. در سال ۱۹۹۴ با حضور نمایندگان نظام آموزش و پرورش ۹۲ کشور و ۲۵ سازمان بین‌المللی در کنفرانس جهانی آموزش در اسپانیا با موضوع «آموزش افراد دارای نیاز ویژه» چارچوب آموزش و ایجاد فرصت‌های آموزشی برابر برای دانش‌آموزان استثنایی و حق دسترسی آن‌ها به مدارس عادی مورد توافق قرار گرفت. در سال ۲۰۰۰ وزرای آموزش و پرورش جهان در جلسه‌ای در سنگال بر افزایش بیشینه سطح پوشش تحصیلی و برخورداری همه کودکان از آموزش عمومی و یادگیری مهارت‌های زندگی توافق شد و کشورها متعهد شدند زمینه اجرای همه مفاد توافق‌نامه را تا سال ۲۰۱۵ فراهم کنند (یونسکو ۲۰۰۰).

این رویکرد در کشور ما از اوایل دهه ۸۰ در دومرحله به اجرا درآمد. مرحله نخست به صورت

را در کلاس خود منجر به پایین آمدن استانداردهای آموزشی، اخلال در روند آموزش و سخت تر شدن کار خود قلمداد می کنند، بنابراین در مقابل اجرای این رویکرد مقاومت می کنند.

عدم انتخاب و گزینش آموزگاران و دبیران قوی و مسلط به عنوان رابط تلفیقی و نارضایتی اولیا دانش آموزان با نیازهای ویژه، کمبود خدمات توان بخشی، نظارت ناکافی و امکان روابط منفی با همسالان و افت تحصیلی آن ها از جمله مشکلات اجرای رویکرد آموزش فراگیر محسوب می شود.

راهکارهای اجرای مطلوب

در رویکرد آموزش فراگیر در کنار جای دهی دانش آموزان با نیازهای ویژه در کلاس های عادی لازم است شرایط و تسهیلاتی به منظور مناسب سازی آموزش و یادگیری بهتر فراهم شود. در ادامه به برخی راهکارهای قابل اجرا و پیشنهادی برای اجرای مطلوب تر آن اشاره می شود.

استفاده از برنامه آموزش فردی شده

برنامه آموزش فردی شده یک سند مکتوب است که به طور معمول برای دانش آموزان با نیازهای ویژه با هدف مستند کردن تمامی تقاضاها، اصلاحات برنامه درسی و دسترسی به خدمات مورد نیاز طراحی می شود و می تواند در سه حیطه برنامه ریزی، نظارت و ارزیابی آموزش دانش آموزان با نیاز ویژه مورد استفاده قرار گیرد (تورا، ۲۰۱۰). استفاده از این برنامه باعث می شود دانش آموزان با نیازهای ویژه در کلاس های عادی با سرعت متناسب با توانایی اش جلو بروند و متناسب با یادگیری های قبلی برای آموزه های جدید برنامه ریزی شود. معلمان آموزش دیده رابط به عنوان هماهنگ و پیگیری کننده استفاده از این برنامه می توانند نقش چشمگیر و اثرگذاری داشته باشند.

جلب مشارکت بیشتر اولیا

برای اجرای موفقیت آمیز رویکرد آموزش فراگیر علاوه بر توانمندسازی آموزگاران لازم است والدین نیز مشارکت بیشتری در تصمیم گیری و ارائه خدمات آموزشی و توان بخشی داشته باشند. به این منظور

و همکاران/ به پژوه و خانزاده، ۱۳۹۱). به بیان دیگر دانش آموزان با نیازهای ویژه در کنار سایر دانش آموزان با بهره گیری از برنامه های درسی مشترک و فضای آموزشی مناسب به تحصیل ادامه دهند و با تعامل سازنده با همسالان خود افزون بر شکوفایی استعداد های خود، به شناخت بهتر و صحیح از ویژگی ها و توانمندی های دانش آموزان با نیازهای ویژه کمک کنند.

پژوهش ها نشان می دهند دانش آموزان با نیازهای ویژه در کلاس های درس عادی، نتایج بهتری در عملکرد تحصیلی و رفتارهای سازشی خود نشان داده اند. همچنین کودکان عادی نیز در این مدارس نگرش مثبت تری نسبت به دانش آموزان با نیازهای ویژه داشتند و از ارتباط اجتماعی با آن ها فایده هایی به دست آورده اند (جکسون، ۲۰۰۸).

به نظر می رسد چهارگروه عمده معلمان عادی، معلمان رابط، والدین دانش آموزان عادی و والدین دانش آموزان با نیازهای ویژه در رویکرد آموزش فراگیر نقش اساسی دارند. بر این اساس لازم است برای معلمان دوره های مستمر آموزش های کوتاه مدت و برای والدین دوره های توجیهی در قالب «آموزش خانواده» برنامه ریزی شود.

چالش های اجرایی رویکرد آموزش فراگیر

اجرای رویکرد آموزش فراگیر با موانع و چالش هایی همراه بوده است. از یک سو میل ناخود آگاه به گسترش مراکز آموزش ویژه و تلاش در جهت افزایش جذب و نگهداشت دانش آموزان موفق با نیازهای ویژه در مدارس آموزش استثنایی و از سوی دیگر بازداري و نگرش منفی معلمان، مدیران و کارشناسان اداری مدارس عادی برای جذب و تحت پوشش قرار دادن دانش آموزان با نیازهای ویژه مشکلاتی را برای اجرای صحیح این رویکرد ایجاد کرده است. کمبود کتاب های کمک درسی مناسب سازی شده، کلاس های پرجمعیت و نبود مناسب سازی فضای فیزیکی و تجهیزات مورد نیاز مدارس عادی از جمله موانع پیش روست. آموزش های ناکافی و اطلاعات ناقص در رابطه با اجرای این رویکرد از جمله چالش ها به حساب می آید. برخی آموزگاران مدارس عادی، حضور دانش آموزان با نیازهای ویژه

ستادی انجام شده، تخصیص معلمان رابط تلفیقی، پرداخت هزینه‌های مشاوره و توان‌بخشی و برگزاری جلسات آموزشی مرتبط از جمله این فعالیت‌ها است.

بر اساس ارزیابی انجام شده، در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ بیش از ۲۴۰ دانش‌آموز با نیازهای ویژه در مدارس عادی استان درس می‌خوانند که از میان آن‌ها ۱۰۴ دانش‌آموز با نیازهای ویژه جسمی - حرکتی (۵۳ پسر و ۲۱ دختر)؛ ۷۱ دانش‌آموز با نیازهای ویژه نابینا و کم‌بینا (۳۵ پسر و ۳۶ دختر)؛ ۷۱ نفر دانش‌آموز با نیازهای ویژه کم‌شنوا و آسیب‌دیده‌شنوایی (۳۳ پسر و ۳۸ دختر) هستند و تا آنجا که امکان دارد از خدمات معلمان رابط بهره‌مند شده‌اند.

در این راستا با موانعی نیز مواجه بوده‌ایم؛ از جمله در سال ۱۳۹۰ بنا بر درخواست بیشتر والدین دانش‌آموزان کم‌شنوای کاشت حلزون و شکایت از وضعیت نامطلوب یادگیری دروس در مدارس عادی، اداره آموزش و پرورش استثنایی استان مجبور به تأسیس مدرسه دانش‌آموزان کم‌شنوای کاشت حلزون در مرکز استان شد. این اقدام گرچه رضایتمندی اولیا را در پی داشت ولی زنگ خطری بر روند اجرای آموزش فراگیر قلمداد می‌شود. در این مدرسه هم‌اکنون بیش از ۳۰ دانش‌آموز کم‌شنوا که بنا بر ارزیابی واحد تشخیص و پیشگیری اداره می‌توانند به صورت تلفیقی در مدرسه عادی ادامه تحصیل دهند، درس می‌خوانند.

وجود مدرسه ویژه دانش‌آموزان جسمی - حرکتی در مرکز استان و جذب حداکثری دانش‌آموزان با نیازهای ویژه جسمی اگرچه باعث ارایه خدمات آموزشی در فضایی بهتر و دریافت خدمات توانبخشی به صورت متمرکز شده ولی به عنوان مانعی برای حضور دانش‌آموز با نیازهای ویژه جسمی در مدارس عادی تبدیل شده است. تمایل دانش‌آموزان و اولیا برای قرارگیری بین کودکانی که مشکل یکسانی دارند و تمایل شدید ادامه تحصیل در این مدرسه از جمله موانع گسترش آموزش فراگیر و حضور دانش‌آموزان با نیازهای ویژه جسمی - حرکتی در مدارس عادی در مرکز استان محسوب می‌شود.

همچنین نوآموزانی که به عنوان "دیرآموز" در پایگاه‌های سنجش استان شناسایی می‌شوند ولی بعد از دو یا سه سال ناکامی و پیشرفت نکردن به مدارس

برنامه‌ریزی در جهت برگزاری جلسات آموزش خانواده برای اولیا با هدف شناخت بهتر و برخورد مناسب با رفتارهای چالش‌انگیز فرزندان و فعال‌تر شدن اولیا جزو اولویت‌ها قرار گیرد. با بالا رفتن سطح آگاهی والدین، حضور دانش‌آموزان با نیازهای ویژه در کلاس‌های عادی راحت‌تر پذیرفته می‌شود و به اجرای سریع‌تر رویکرد آموزش فراگیر کمک خواهد کرد.

تلاش در جهت تقویت نگرش مثبت معلمان نسبت به آموزش فراگیر

با توجه به تجربه آموزشی، سطح تحصیلات، آموزش‌های تکمیلی، حمایت‌های تشویقی، حجم کلاس و ساعات کاری، نگرش معلمان عادی نسبت به آموزش فراگیر متنوع و متفاوت است (یونسکو، ۲۰۰۳). برای تقویت نگرش مثبت آن‌ها می‌توان از برگزاری دوره‌های آموزش کوتاه‌مدت مرتبط، انتقال تجارب معلمان موفق و معرفی توانمندی‌های دانش‌آموزان با نیازهای ویژه بهره برد. برنامه‌ریزی به منظور تقویت اطلاعات، اصلاح نگرش و انعطاف‌پذیری عملکرد معلمان سهم مهمی در اجرای موفقیت‌آمیز رویکرد آموزش فراگیر دارد.

استفاده از روش‌های متنوع آموزشی مانند «آموزش همسال»

در رویکرد آموزش فراگیر می‌توان از روش‌های متنوع آموزشی استفاده کرد. یکی از این روش‌ها «تدریس هم‌شاگردی» است. در این روش مطالب آموزشی به صورت انفرادی توسط یک دانش‌آموز به دانش‌آموز دیگر با نظارت معلم مربوطه ارایه می‌شود. در این روش افزون بر تقویت یادگیری مطالب، مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی دانش‌آموزان نیز تقویت می‌شود (خضری، ۱۳۹۲) و زمینه پذیرش بهتر دانش‌آموزان با نیازهای ویژه در محیط مدرسه را فراهم می‌کند.

وضعیت آموزش فراگیر در استان کرمان

همزمان با سراسر کشور در استان کرمان نیز در جهت آموزش فراگیر و گسترش پوشش دانش‌آموزان تلفیقی اقدامات مؤثری انجام شده است. برنامه‌ریزی‌های

مغایر سیاست‌های کلی شیوه‌نامه اجرایی آیین‌نامه آموزش و پرورش تلفیقی - فراگیر کودکان با نیازهای ویژه است باید هرچه زودتر شروع شود و با عدم پذیرش ورودی جدید در عمل دانش‌آموزانی که می‌توانند به صورت تلفیقی در مدارس عادی ادامه تحصیل دهند به هیچ وجه در مدارس استثنایی پذیرفته و ثبت نام نشوند. به جای جداسازی و جذب دانش‌آموزان با نیازهای ویژه در مدارس استثنایی باید تسهیلاتی فراهم کنیم که اینگونه دانش‌آموزان بتوانند راحت‌تر در مدرسه عادی ادامه تحصیل دهند.

نتیجه‌گیری

آنچه از بررسی پژوهش‌های مربوط به آموزش فراگیر برداشت می‌شود این است که اجرای این رویکرد و تسهیل شرایط موجود باعث می‌شود نه تنها دانش‌آموزان با نیازهای ویژه عملکرد تحصیلی بهتری را تجربه کنند بلکه سازگاری اجتماعی بالاتری را نیز داشته باشند (جکسون، ۲۰۰۸). اگرچه برخی موانع، مسیر اجرایی آموزش فراگیر را با مشکل مواجه کرده و روند آتی آن را مبهم ساخته است؛ تلاش در جهت کاستن موانع و رفع چالش‌ها موجود، آینده روشنی را نوید می‌دهد. آشکار است اجرای رویکرد آموزش فراگیر در حال حاضر برای همه دانش‌آموزان با نیازهای ویژه فعالیت نشدنی و غیر قابل اجراست. با وجود این هدایت دانش‌آموزان با آسیب‌های خفیف به سوی مدارس عادی و ارایه حمایت‌های مورد نیاز، برای شروع و تداوم برنامه مناسب است و به تدریج می‌توان به گسترش آن بین دانش‌آموزان با نیازهای ویژه با درجه آسیب متوسط و شدید اقدام کرد. در پایان پیشنهاد می‌شود فرآیند اجرایی آموزش فراگیر در کودکان و پیش‌دبستانی‌ها ترغیب شود. همچنین در صورت نبود امکان حضور تمام‌وقت دانش‌آموزان با نیازهای ویژه در برخی مدارس عادی، دست‌کم حضور پاره‌وقت آن‌ها پیگیری شود. افزون بر این در هر اداره آموزش و پرورش، کارشناسی با حفظ سمت به عنوان مسئول پیگیری اجرای صحیح توسعه آموزش فراگیر و رفع موانع اجرایی آن در استان با ابلاغ مدیر کل معرفی شود.

ویژه استثنایی فرستاده می‌شوند، یکی از موانع پیش‌روی ماست. برخی اقدامات در بعضی شهرستان‌های پرجمعیت استان نیز محل روند اجرایی توسعه آموزش فراگیر است؛ برای مثال تمایل به جداسازی دانش‌آموزان مرزی و تأسیس مدرسه‌ای ویژه آن‌ها (پیوست یک) از جمله فعالیت‌هایی است که این هشدار را می‌دهد که به طور واقعی آموزش فراگیر به کدامین سوره می‌سپارد و آینده آن چه خواهد شد؟ دانش‌آموزانی که از لحاظ یادگیری با تلاش بیشتر خانه و مدرسه می‌توانند همپای همسالان خود یاد بگیرند، فقط با این استدلال که در یادگیری از دیگران ضعیف‌ترند، محکوم به تحصیل در محیطی مجزای از سایر همسالان خود آن‌هم در دوره متوسطه اول می‌شوند. بی‌شک اندیشه چنین اقدامی خطرناک است، چه رسد به صدور بخشنامه و اقدام عملی برای اجرای این تفکر. چه کسی پاسخگو است و باید بر این امور نظارت کند؟

گسترش جذب دانش‌آموزان آسیب‌دیده بینایی در مدارس استثنایی و تأسیس مدرسه متوسطه برای دانش‌آموزان تلفیقی آسیب‌دیده بینایی در مرکز استان برای سال تحصیلی پیش رو نیز از جمله فعالیت‌های مغایر با توسعه آموزش فراگیر محسوب می‌شود. دانش‌آموزانی که لازم است تسهیلاتی برای‌شان فراهم کنیم تا هرچه بیشتر با همسالان عادی خود باشند و مهارت چگونه با هم زندگی کردن را یاد بگیرند، هم اکنون قرار است در مرکز جداسازی شده ویژه دانش‌آموزان آسیب‌دیده بینایی تحصیل کنند. این روش اگرچه محاسن کوتاه مدتی به همراه دارد ولی عواقب زیان‌بار و غیرقابل جبران کننده آن بی‌شمار و طولانی مدت است.

موانع گفته شده، جز رویدادهای تلخ اما واقعی به حساب می‌آیند. برای اجرایی کردن مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش در زمینه گسترش آموزش تلفیقی، به جز ابلاغ آن لازم است کارگروه‌های تخصصی در استان‌ها شکل بگیرد، اقدامات موازی و یا احیاناً مغایر شیوه‌نامه شناسایی شود و این کارگروه قدرت اعمال نظر و نظارت بر تمامی فعالیت‌های مرتبط با آن را داشته باشد. به نظر می‌رسد شمارش معکوس برای تعطیلی مدارس که تأسیس آن‌ها اساساً

منابع

- خضری، آناهیتا. (۱۳۹۱). تدریس همسال: راهبرد آموزش به دانش آموزان با نیازهای ویژه در نظام آموزش فراگیر. تعلیم و تربیت استثنایی، ۱۱۲، ۵۵ - ۶۶.
- سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور. (۱۳۹۲). شیوه‌نامه اجرایی آیین‌نامه آموزش و پرورش تلفیقی - فراگیر کودکان با نیازهای ویژه. مصوبه هشتصد و پنجاه و چهارمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش.
- قدمی، مجید. (۱۳۹۳). آموزش تلفیقی و فراگیر را مورد توجه جدی قرار دهیم. تعلیم و تربیت استثنایی، ۱۲۵، ۱ - ۲.
- لورمن، تیم؛ دپلر، جوان؛ و هاروی، دیوید. (۱۳۹۱). آموزش فراگیر: راهنمای عملی در حمایت از یادگیرندگان با توانایی‌های گوناگون. ترجمه: احمد به پژوه، و حسینعلی خانزاده (۱۳۹۱)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ملکی، حسن. (۱۳۹۳). ۳۰ مهارت زندگی ویژه جوانان و نوجوانان. تهران: انتشارات آبیژ.
- یونسکو. (۲۰۰۰). عمل به تعهدات جمعی مصوب اجلاس جهانی آموزش جهانی آموزش و پرورش، داکار سنگال. (ترجمه دفتر همکاری‌های علمی بین‌المللی، وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۰).
- Bendova, P. , & sadkova, L. (2013). Inclusive education of pre - school children with special education needs in kindergartens. *Social and behavioral sciences*, 112, 1014 - 1021
- Jackson, R. (2008). Inclusion or Segregation for Children with an Intellectual Impairment: What does the Research Say? Australia: Cowan University.
- Nigmatov, Z. G. (2014). Humanitarian technologies of inclusive education. *Social and behavioral sciences*, 156, 156 - 159
- Stubbs, S. , & Lewis, I. (2008). Inclusive Education, Where there are few resources. Oxford: Atlas Alliance.
- Torah, H. , yasin, M. , chiri, F. , & tahar, M. (2010). Monitoring progress using the individual education plan for student with autism. *Social and behavioral sciences*, 7, 701 - 706
- Unesco, H. (2003). Overcoming exclusion through inclusive approaches in education a challenge and a vision conceptual paper. United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization.

پیوست

	
مقام محترم رهبری: دهه چهارم انقلاب دهه پیشرفت و عدالت	جمهوری اسلامی ایران وزارت آموزش و پرورش اداره کل آموزش و پرورش استان تهران مدیریت آموزش و پرورش رفسنجان شماره: ۳۸۴۶/۹۱۱۹/۴۰۲۹۰ تاریخ: ۱۳۹۳/۵/۱۱ پیوست:
به : کلیه مدارس ابتدایی و متوسطه اول با اهداء سلام و تحیات احتراماً : ضمن آرزوی قبولی طاعات و عبادات همکاران گرامی و با توجه به مراجعات مکرر به آموزش در رابطه با دانش آموزان مرزی به اطلاع می رساند که کارشناسی آموزش متوسطه اول در نظر دارد یک کلاس در هر پایه مخصوص دانش آموزان مرزی در یک مدرسه ایجاد نماید ، لذا خواهشمند است ضمن شناسایی اینگونه دانش آموزان آنها را به کارشناسی راهنمایی هدایت نموده تا ضمن ثبت نام مقدمات تشکیل این کلاسها فراهم گردد.	
سید کاظم حسینی پور از طرف معاونین کل و مدیر آموزش و پرورش رفسنجان عتی جهرمی عشی امام معاون آموزش متوسطه	
رونوشت: مدیریت محترم ، معاونین محترم ، کارشناسان های محترم بازرسی ، حراست ، سنجش ، ابتدایی ، متوسطه اول، گروههای آموزشی	
شناسه: ۳۸۴۶/۹۱۱۹/۴۰۲۹۰ تاریخ: ۱۳۹۳/۵/۱۱ شماره: ۳۸۴۶/۹۱۱۹/۴۰۲۹۰	